

بعض من الخصية المبرزة وان لا يحصى نفسه بالدعاء كان
اما ما كتبت في معنى درسن بود او در ترمذي و ابن ماجه جزي است
مرفوع في بيان حصول الكفرت خاص باذنا كردن دعا نفس خود را بدعا
واما بشدای قصدش حصول اثر دعا برای نفس خودش باشد و معتقدان بدان
در ظاهر عام است هم در نماز هم بعد از نماز و در هر حال که دعا را بخواند
جمع است و خاص كردن مذکور را در همه مقامات است برای هدایت و توبان گفت
لا حول الا بالله ان لا يعجز عن فعله الا الله ان لا يعجز عن فعله الا الله
فعل نفسه ان لا يعجز عن فعله الا الله ان لا يعجز عن فعله الا الله
فقد كان ولا يقضي الا وهو محقق في محققه لكن مصنف رحمه الله
لن افاض با ما در حالت قنوت فرموده است یعنی اگر امام دعای قنوت
فرموده بگویند مستعمل واحد بخواند و حال آنکه مقتدایان در حال آمین می گویند
معتاد اند که امام درین دعا خاص کرده است نفس خود را الهام حیات کرد
عبارت است اگر در احوال و وقت سجده است که آنحضرت در حال امامت دعا
نمای خدا را در سجده با عذمتی و بی خطای ای که با عذمت
مانند ربنا انا لله اللهم با عذمتی و بی خطای ای که با عذمت
وان يبدا بنفسه وان يبدا بنفسه وان يبدا بنفسه
المؤمنين بما انما اكثر استعمال احوال كبره و غير ذلك و قد
در دوستان است در خوجه در برادران سنی است یعنی در صحیح امام
از ابوالدرداء او امام سلمه لیکن درین هر دو حدیث تصریح نیست بر عبادت
و بر عاریت مسلمانان حاضر و غایب می و میت زیرا که بنوعی این برکات

عبارت

نیز برای نفس خود بخواند لیکن فهم این معنی از منی مذکور بعد است جدا بود
اراده این معنی می فرمود لا یقوت الامام بصیغه الا فراد مع هذا و لو
شود بر صیغه که قنوت آنحضرت است که لفظ مفرد است اللهم اهدنا
هدیت و عافنی فبین عافیت الخ زیرا که تصریح کرده است این بهام که قول
ش صیغه اللقبم اهدنا دعا فاصلا منقول است لکن بلفظ من صریح
خاص الامام عام ان لا یحصى القنوت انتهى و این هم در حدیث مذکور است
امام شافعی است و نزد امام اعظم این ادعیه در غیر فعل نیست و ان
یستال بعزیم و ان ینتفعی بکعبه عمم بقیع و ضم الیها
بر خیزد از باب ضرب رعبت خوانش بخوبی از باب علم السلام
کلام است یعنی اراده است و اگر کلامی است یعنی افاض است رعب فی
سبل کرد روی رعب عنه بود و این در اصول است بروی است
و از ابو هریره رضی الله عنهما روایت کرده است دعای قنوت و حرم تمام حاکم گویند اللهم
اغفر لانی نیت او اعطانی ان نیت فانی الیها فی صیغته و لا یحضر
که مکروه اسم فاعل است از راه که رسم و کار در اشرف است ای و صحیح این
صیغی و صحیح ابو یوسف مروی است از ابو هریره رضی الله عنهما روایت کرده است
و ظاهر آنست تمام و ذکر این ادب است یعنی عذر بر ما بعد ای فان نیت
من قلبه بحمد و اجتهاد و ان یحضر قلبه و یحس رجاء
بعض صحیح مستدرک است که در وقت از ابو هریره رضی الله عنهما روایت کرده است
داعی دعا را بنیاد و مع و طاعت و حاضر کردن دعا و غیره او را
از عبد الله است زیرا که دعا از دل که خالص است بهتر است از ترک دعا و ذکر

اللهم